

ارجاع به این مقاله: فطرتی باسمنج، سجاد و شکرپور، شهریار. (۱۴۰۲). روانشناسی رنگ لباس زنان در نگاره‌های منتخب از «شاهنامه طهماسبی» براساس نظریه «ماکس لوشر». پیکره، ۳۳(۳)، ۶۷-۸۵.

ترجمه انگلیسی این مقاله در همین شماره با عنوان زیر منتشر شده است

Color Psychology of the Women's Clothing in Selected Paintings of "Tahmasp Shahnameh" Based on the theory of "Max Loescher"

مقاله پژوهشی

روانشناسی رنگ لباس زنان در نگاره‌های منتخب از «شاهنامه طهماسبی» براساس نظریه «ماکس

لوشر»*

چکیده

بیان مسئله: رنگ به‌عنوان یکی از عناصر مهم بصری بیشتر مورد توجه هنرمندان مکتب دوره صفوی بوده است. حضور متعدد نقش زن در «شاهنامه طهماسبی» نشان از جایگاه والای زنان در این دوره دارد. از این رو با استعانت از رویکرد روانشناسی رنگ ماکس لوشر می‌توان به مطالعه لباس زنان در «شاهنامه طهماسبی» اقدام کرد. پژوهش فوق درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها صورت گرفته است: براساس نظریه «روانشناسی رنگ ماکس لوشر» هنرمند از چه رابطه‌ای برای ترسیم لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» استفاده کرده است؟ و نیز هنرمند بیشتر تحت تأثیر کدام یک از رنگ‌های سرد یا گرم قرار داشته است؟

هدف: شناخت اندیشه‌های روانی هنرمند صفوی در ترسیم رنگ لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» براساس نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر هدف پژوهش حاضر است.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع کیفی و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات به‌روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری و تصویرخوانی و جداول، از طریق تحلیل داده‌ها، صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری پژوهش هدفمند و به‌جهت تعدد حضور پیکره‌های زنان، از بین ۲۵۸ نگاره «شاهنامه طهماسبی»، ۲ نگاره برای مطالعه با نظریه مذکور انتخاب شده است.

یافته‌ها: هنرمند عصر صفوی از دید روانشناسی رنگ ماکس لوشر در بکارگیری عنصر رنگ برای لباس زنان از رابطه تعادل بین رنگ‌های سرد و گرم استفاده کرده است که به عبارت دیگر از هر دو گروه رنگی سرد و گرم برای رنگ‌آمیزی لباس زنان بهره‌جسته است. نگاره‌های مورد پژوهش در ارتباط با نظریه حاضر از لحاظ تعدد رنگی و به کاربردن رنگ‌ها نسبت رنگ‌های سرد به رنگ‌های گرم بیشتر است و این بیانگر آن است که هنرمند این دوره بیشتر تحت تأثیر رنگ‌های سرد (آبی، سبز) قرار داشته است. مطابق با نظریه مذکور از رنگ خاکستری که یک رنگ خنثی محسوب می‌شود برای لباس زنان استفاده نشده است و همچنین برای نشان دادن جایگاه زنان از منسوجات بهره‌گرفته شده است.

کلیدواژه

روانشناسی رنگ، لباس زنان، شاهنامه طهماسبی، ماکس لوشر

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

Email: Sajad.fetrati1376@gmail.com

۲. استادیار گروه هنرهای صنعتی، دانشکده هنرهای صنعتی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

*مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «روانشناسی رنگ در لباس شاهان بر تخت نشسته» («شاهنامه طهماسبی») براساس نظریه ماکس لوشر» با هدایت نگارنده دوم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز است.

مقدمه

عنصر رنگ^۱ در آثار هنری دارای جایگاه ویژه‌ای است، چراکه رنگ با احساسات آدمی پیوندی عمیق دارد. رنگ توانایی مطالعه ابعاد روانی را در آثار هنری داراست؛ به‌همین منظور می‌توان از نظریه‌های روانشناسی^۲ در تحلیل روانی آثار بهره گرفت. در مورد پژوهش‌های روانشناسی رنگ، می‌توان به افرادی همچون «ماکس لوشر، رورشاخ^۳، ماکس فیستر^۴، فابر بیرن^۵، ریتبرگر^۶، ایتن و ویلز^۷، الخویسکی^۸، عمر مختار^۹ و دودانگه^{۱۰} و ...» اشاره کرد؛ که از دیدگاه‌های نظیر فیزیک، بُعد درمانی رنگ و ... دست به مطالعه و پژوهش زده‌اند. تست روانشناسی رنگ ماکس لوشر یک آزمون روانشناسی است که برای تشخیص روحیه روانی فرد مورد آزمون از طریق انتخاب تعدادی مشخص از رنگ‌های سرد، گرم و خنثی موجود در این آزمون و تحلیل آن‌ها مطابق با نظریه یادشده صورت می‌گیرد. در خصوص ارتباط نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر با پژوهش حاضر می‌توان اظهار داشت که در تاریخ نگارگری ایران همواره عنصر رنگ پیوندی ناگسستنی با روحیه هنرمندان به‌خصوص هنرمندان دوره صفوی داشته است. رنگ به‌دلیل جلوه‌گر بودن بیانگر روحیه فرد و نیز نشان از تیپ شخصی دارد و به‌کارگیری رنگ در لباس پیکره‌های انسانی از جمله لباس زنان در نسخ خطی ادوار مختلف رایج بوده است. در دوران حکومت شاه طهماسب که خود نیز هنرمند بوده است، شاهنامه‌ای به‌نام او نوشته شده که نام دیگر آن «شاهنامه هوتن» است. تنوع رنگی در این شاهنامه نشان از علاقه‌مندی هنرمندان به عنصر رنگ است از این‌رو می‌توان با در نظر گرفتن روحیه هنرمندان عصر صفوی و با استفاده از دیدگاه روانشناسی رنگ ماکس لوشر به ابعاد روانی بهره‌گیری از رنگ در ترسیم لباس زنان این شاهنامه پی‌برد. هدف پژوهش حاضر شناخت اندیشه‌های روانی هنرمند صفوی در ترسیم رنگ لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» براساس نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو سؤال پیش رو است: نخست اینکه؛ براساس نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر هنرمند از چه رابطه‌ای برای ترسیم لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» استفاده کرده است؟ و دوم آنکه: هنرمند بیشتر تحت تأثیر کدام‌یک از رنگ‌های سرد یا گرم قرار داشته است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی و در حیطه پژوهش‌های کیفی است و بر اساس مبانی نظری روانشناسی رنگ ماکس لوشر انجام گرفته است. چگونگی استفاده از این نظریه به اینگونه است که ابتدا ۸ رنگ (آبی، سبز، قرمز، زرد، بنفش، قهوه‌ای، سیاه و خاکستری) موجود در نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر مطابق با جایگاه‌های رنگ‌ها مشخص شده از شماره ۷ تا ۰ و سپس با مشخص شدن گروه‌های رنگی اصلی و فرعی به تحلیل گروه‌های رنگی پرداخته می‌شود که در این پژوهش لباس زنان منتخب از «شاهنامه طهماسبی» مورد مطالعه قرار گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات به‌روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری، تصویرخوانی و جداول، از طریق تحلیل داده‌ها، صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری پژوهش به‌صورت هدفمند بوده است. از میان ۲۵۸ نگاره «شاهنامه طهماسبی»، ۲ نگاره که دارای بیشترین ارتباط به‌لحاظ بسامد رنگی با نظریه ماکس لوشر بوده، برای مطالعه انتخاب شده است. دلیل انتخاب نمونه‌های مذکور، ویژگی‌های شاخص نگاره‌ها به‌جهت تعدد حضور پیکره‌های

زنان نسبت به دیگر نگاره‌های موجود در «شاهنامه طهماسبی» و نیز رنگ‌های متنوع‌تری بوده است که در لباس زنان نگاره‌های منتخب دیده شده است. در پژوهش حاضر، در ابتدا به مطالعه «مفهوم رنگ، روانشناسی رنگ و تأثیر آن بر روی آدمی، رنگ و شخصیت و جایگاه زنان در دوره صفوی» پرداخته شده و در گام دوم به معرفی نمونه‌های مورد مطالعه و در آخر با استفاده از رویکرد نظری به تحلیل داده‌ها در جداول و به رابطه رنگ لباس زنان با جایگاه آنان پرداخته شده است. سرانجام داده‌های به دست آمده به روش استدلال استقرایی که مشاهدات و اطلاعات تجربی را برای رسیدن به نتیجه مورد نظر تلفیق می‌کند، تجزیه و نتیجه پژوهش حاصل شده است.

پیشینه پژوهش

نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر را می‌توان در حوزه ادبیات فارسی و هنرهای تجسمی از جمله نگارگری ایرانی مشاهده کرد. در این خصوص کتاب‌ها و مقالاتی به چاپ رسیده‌اند. از جمله تحقیقاتی که در ارتباط با نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر در ادبیات و هنر انجام شده است می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد: مقاله «بررسی روانشناسی رنگ در آثار رضا عباسی» نوشته «عبدالحسینی و صید یوسفی» (۱۳۹۳) اشاره کرد؛ در این پژوهش به بررسی رنگ در آثار رضا عباسی با بهره‌گیری از نظریه ماکس لوشر انجام شده است که نشان می‌دهد رنگ قهوه‌ای، بیشترین بسامد رنگی را داراست که بیانگر نبود آسایش و رنگ سیاه نشانگر ترک علاقه، رنگ آبی طلب آرامش، بنفش نوعی احساس عارفانه و رنگ قرمز، رنگ طرد شده در آثار وی است و رنگ خاکستری کمترین فراوانی را دارد. همچنین در مقاله‌ای دیگر با عنوان «روانشناسی رنگ‌ها در شاهنامه» که نوشته «ذبیح‌نیا عمران و محمدی» (۱۳۹۰) است، به بررسی رنگ سیاه که نشان از چشم زیبارویان و رنگ سرخ که بیانگر قدرت، زندگی و آتش می‌باشد، پرداخته شده است. در ارتباط با لباس می‌توان به مقاله «بررسی رابطه جایگاه اجتماعی و انتخاب رنگ البسه در نگاره‌های دوره صفویه» نوشته «محبی، حسنخانی قوام و امانی» (۱۳۹۷) اشاره نمود. در این مقاله به شیوهی لباس پوشیدن اشخاصی همچون شاه، اشرافیان، عاشقان، رقاصان، کارگران و درواپش از لحاظ درک نمادها و کشف معانی رنگ پوشاک بر روی نگاره‌های دوره صفوی پرداخته شده است که هدف آن بیان رابطه بین رنگ لباس و شیوهی پوشش شخصیت‌های نگاره‌ها بوده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که از رنگ‌های گرم بیشتر در لباس شاه، اشرافیان، عاشقان، رقاصان استفاده شده است در حالی که از رنگ‌های سرد و تیره در لباس افرادی همچون: صوفیان و عارفان، درواپش، کارگران و فقرا بهره گرفته شده است. درباره پوشش زنان و نوشته‌های ایران‌گردان خارجی در سفرنامه‌هایشان می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفوی» از «ولی قوجق و مهرپویا» (۱۳۹۶) اشاره کرد. مقاله ذکر شده به تطبیق پوشش زنان در دوره صفوی و انعکاس آن در سفرنامه‌ها بر مبنای تصویر پرداخته شده است. حاصل نتایج نشان می‌دهد که نمی‌توان به طور قطعی به مطالب سفرنامه‌ها استناد کرد چرا که در برخی موارد پوشاک در دوره صفوی دچار تغییر و تحول شده است. کتاب «سفرنامه برادران شرلی» از «دهباشی» (۱۳۷۸) بیانگر مشاهدات بصری برادران شرلی از وضعیت اجتماعی ایران در دوره صفوی است. در خصوص سیر تحول پوشش در دوران صفوی «بررسی حضور اجتماعی زنان و سیر تحول پوشش در نگاره‌های عصر صفوی» عنوان مقاله‌ای است که توسط «تقوی و موسوی» (۱۳۹۲) نگاشته شده است. این مقاله با رویکرد توصیفی و تحلیلی تاریخی به سیر تحول پوشش زنان پرداخته است. در نتایج این مقاله مشخص گردیده است که زنان غیر درباری در مقایسه با زنان درباری از آزادی عمل در انتخاب پوشش برخوردار بوده‌اند. در مقاله دیگر نیز با عنوان «کارکرد رنگ در مثنوی مولوی» نوشته

«فاتحی و قهرمانی» (۱۳۹۶) به کارکرد رنگ‌های سیاه و سفید و نیز سرخ و زرد و چگونگی تقابل آن‌ها و نیز همنشینی برخی واژگان پرداخته شده است. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «روانشناسی کاربردی رنگ‌ها (پنتون)» نوشته «قلی‌زاده لداری» (۱۳۹۱) به بررسی کاربرد رنگ در صنعت و محصولات پرداخته شده است. مقاله‌ای با عنوان «رنگ در تاریخ ایران» نوشته «میراحمدی» (۱۳۶۸) به تاریخ رنگ در ایران از منظر ادوار تاریخی و آیات قرآنی پرداخته است. در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی رنگ‌ها در هنر اسلامی» نوشته «میرحسینی» (۱۳۹۸) به معانی رنگ‌ها از دیدگاه اسلام پرداخته شده است. لازم به ذکر است در پژوهش‌های ذکر شده بیشتر به ابعاد و سیر تحول اجتماعی لباس در دوره صفوی پرداخته شده است؛ این در حالی است که مقاله حاضر درصدد دستیابی به نتایج جدید با استفاده از رویکرد روانشناسی رنگ در خصوص متن بصری می‌پردازد، چراکه به این موضوع در لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» پرداخته نشده و تکمیل این خلأ اطلاعاتی حائز اهمیت و وجه تمایز مقاله حاضر با نتایج پژوهش‌های پیشین است.

مفهوم رنگ

رنگ آنچنان با زندگی بشر سروکار دارد که ما هیچگاه آن را به‌عنوان یک پدیده ناشناخته نمی‌دانیم، مفهوم رنگ در گستره زندگی جاری است و نمی‌توان یک تعریف واحدی از رنگ داشت (چیچی‌نیوا، ۱۳۹۶، ۲۹-۳۰). علوم متنوعی همانند فیزیک، هنر و روانشناسی تعاریف مختلفی در مورد عنصر رنگ ارائه داده‌اند که هر یک دارای تفاوت‌هایی هستند. عنصر رنگ را می‌توان جزو شگفت‌انگیزترین رویدادهای علمی بشر دانست. دکتر «الریش بیر» که یک روانشناس مطرح اتریشی است، در مورد رنگ، پژوهش‌های زیادی انجام داده است. او عقیده دارد که موجودات در برابر رنگ‌های موجود در طبیعت به‌طور غریزی نمی‌توانند احساس لذت نکنند؛ زیرا دیدن رنگ‌ها و درک آن‌ها موجب خوشنودی می‌شود (بختیاری‌فرد، ۱۳۸۸، ۱۰). از بُعد فیزیکی، رنگ نتیجه برخورد نور به سطح اشیا و منعکس شدن آن به چشم انسان است. عمل دیدن رنگ به‌عده چشم است و از نظر علمی، رنگ تشکیل یافته از نور است که به کمک قوه بینایی درک می‌شود. یک شعاع نوری شامل انواع متنوعی از طول موج‌های عرضی و طولی است. براساس دیدگاه روانشناسان، عنصر رنگ به‌عنوان یک عامل محیطی محسوب می‌گردد و بر این عقیده‌اند که اگر رنگ به‌صورت آگاهانه و هدفمند توسط فرد انتخاب گردد، باعث پدید آوردن رفتار دلخواه فرد می‌شود. با به‌کارگیری کاربرد رنگ در اطراف افراد می‌توان به افرادی که زیاد هیجانی هستند حس آرامش هدیه داد و ایجاد تغییر در افراد کم‌تحرک شد (خواجه‌پور و سمندی، ۱۳۸۹، ۹). «بدیهی است که نور و رنگ بر بیننده تأثیر روانی و جسمانی دارند؛ چراکه چون با چشم دریافت و با جسم تجربه شده‌اند» (پهلوان، ۱۳۸۷).

روانشناسی رنگ و تأثیر آن بر روی آدمی

در ارتباط با رنگ و تأثیر روانی آن بر روان انسان بیان شده است که رنگ دریچه‌ای است رو به سوی عمق ذهن و روح گشوده است و دارای خاصیت مؤثر و نفوذ در تمامی موجودات زنده شده است (گیمبل، ۱۳۸۶، ۲۰). رنگ در وضعیت‌هایی همچون هوشیاری و یا ناهوشیاری و نیز در خواب حضور دارد. «قدرت تأثیرگذاری رنگ بر جسم، ذهن و روحمان همان چیزی است که به آن توانایی آرام کردن، به‌هیجان آوردن، الهام بخشیدن و توازن می‌دهد و هماهنگی ایجاد می‌کند و شفا می‌دهد» (ویلز، ۱۳۸۸، ۱۲). رنگ‌ها علاوه بر روان آدمی، جسم و فیزیولوژی انسان

را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. هنگام آزمایش‌هایی که در آن افراد مجبور به اندیشیدن در مورد رنگ قرمز بودند، معلوم شده است که این رنگ باعث بالا رفتن فشارخون و نیز موجب افزایش ضربان قلب می‌شود. از آنجایی که این رنگ بر روی بخش عصبی، به‌ویژه سیستم سمپاتیک، اثرگذار است، به‌عنوان یک عامل تحریک عصبی قلمداد می‌شود. در خصوص رنگ آبی نتایج به‌دست آمده درست برعکس رنگ قرمز، است؛ به‌عبارت دیگر، این رنگ (آبی) باعث کاهش فشار خون و ضربان قلب می‌شود. لازم به‌ذکر است که رنگ آبی تیره (سرمه‌ای) اثرگذاری آرام‌بخشی دارد که از بخش سیستم عصبی خودکار پاراسمپاتیک حاصل می‌شود (لوشر، ۱۳۸۶، ۲۲).

نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر

ماکس لوشر یک روانشناس و درمانگر سوئسی بود که به‌دلیل ابداع آزمون رنگ لوشر که ابزاری برای مشخص کردن چگونگی حالت روانی اشخاص براساس تجربیات رنگی آن‌ها بود، به محبوبیت جهانی رسیده است. در نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر^{۱۱} هشت کارت رنگی حضور دارند که رنگ سبز برخلاف تصور عمومی در این نظریه به‌عنوان رنگ اصلی در نظر گرفته شده است، نه رنگ فرعی یا ثانویه. با توجه به دستورالعمل این نظریه، هر کارت رنگی دارای یک شماره مشخص به‌خود است که باید در دو مرحله جداگانه تمامی کارت‌ها توسط فرد مورد آزمون انتخاب شود. لازم به‌ذکر است که در پژوهش حاضر به‌دلیل فقدان هنرمند فقط یک‌بار رنگ‌ها برحسب سطح اشغال رنگ در لباس زنان منتخب «شاهنامه طهماسبی» گزینش شده است. فرد مورد آزمون، رنگ‌های مورد علاقه خود را به‌ترتیب دلخواه خود در هشت جایگاه انتخاب می‌کند. اولین رنگ انتخاب شده نشان‌دهنده آن است که این فرد بیشتر به این رنگ علاقه دارد و تمایل فرد را به‌خود جلب کرده است و رنگی را که در جایگاه هشتم انتخاب می‌کند، بیانگر بی‌علاقگی فرد نسبت به آن رنگ است. در نظریه حاضر، هشت رنگ موجود به دو گروه اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند که رنگ‌های اصلی شامل آبی، زرد، قرمز و سبز که دارای اولویت روانی هستند و رنگ‌های فرعی عبارت‌اند از بنفش که خود از ترکیب دو رنگ قرمز و آبی حاصل می‌شود، رنگ قهوه‌ای که از ترکیب سه رنگ زرد، قرمز و سیاه ساخته می‌شود و رنگ خاکستری که جزو هیچ رنگی محسوب نمی‌گردد و رنگ سیاه که در اصل باطل‌کننده هر رنگی است. هشت کارت رنگی موجود در نظریه مذکور با کدهای ۷ تا ۰ مشخص می‌شوند و کارت‌های یاد شده چهار زوج رنگی ایجاد می‌کنند که با توجه به کارکرد آن‌ها دو رنگ اول انتخاب شده با علامت به‌علاوه (+)، زوج دوم با علامت ضربدر (×)، زوج سوم با علامت مساوی (=) و زوج آخر با علامت منها (-) تقسیم‌بندی می‌شوند. انتخاب رنگ‌های موجود در این نظریه توسط شخص مورد آزمون، به ترتیب جایگاه آن‌ها، نشانگر واکنش روانی فرد نسبت به رنگ‌هاست. از این‌رو نظریه روانشناسی ماکس لوشر، موضوعات ذهنی شامل ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه و همچنین روحیه فردی را نمایان می‌کند. این نظریه در ارتباط با رنگ دارای چشم‌انداز نسبی است (لوشر، ۱۳۸۸، ۵۰-۱۸).

رنگ و شخصیت

براساس عقیده «فابر بیرن»، رنگ‌شناس آمریکایی، اگر افراد به یک یا چند رنگ علاقه داشته باشند نشان‌دهنده وضعیت شخصیتی سالم است و اگر افراد نسبت به یک یا چند رنگ در مواجهه با آن از خود بیشتر واکنش نشان دهند و یا افراد در خصوص رنگ اظهار بی‌زاری کنند، در هر دو حالت بیان شده افراد دارای شخصیت نامتعادل

هستند (بختیاری فرد، ۱۳۸۸، ۷۵). رنگ توانایی کشف شخصیت فرد را دارد، زیرا هر رنگ دارای مفهوم مشخصی است که بر روان انسان تأثیر می‌گذارد. با در نظر گرفتن این مسأله می‌توان با انجام آزمایش‌هایی رنگی شخصیت افراد را از طریق تحلیل حالت‌های عاطفی و طرز تفکر ذهنی مورد مطالعه قرار داد (مختار عمر، ۱۹۹۷، ۸۳).

ویژگی‌های لباس زنان در دوره صفوی

«شاهنامه طهماسبی» به‌عنوان یکی از آثار نفیس به‌جا مانده از دوره حکومت صفویان است که دارای نگاره‌های باشکوه و از لحاظ تنوع رنگی بسیار غنی است. «این نسخه در ابعاد ۴۷ در ۳۲ سانتیمتر و مشتمل بر ۷۵۹ برگ و دارای ۲۵۸ نگاره است که از نظر محتوا و شکوه بی‌نظیرند. از این بین، ۱۱۸ نگاره در ایران و مابقی در موزه‌های خارج از کشور است» (پورجعفر و فرخ‌فر، ۱۳۸۷). «زمان آغاز و تدوین کتاب روشن نیست» (پاکباز، ۱۳۷۹، ۸۷)؛ اما تنها نگاره تاریخ‌دار این نسخه، تصویر اردشیر و گلنار کنیز است که رقم ۹۳۴ را به‌همراه دارد (کنبی، ۱۳۸۲، ۵۰). در رابطه با افراد غیرایرانی که از ایران در دوران صفوی دیدن کرده‌اند و در سفرنامه‌های بعضی از آنان درباره ویژگی‌های لباس زنان سخن گفته شده است که در این میان، می‌توان به «برادران شرلی»^{۱۲} در دوره حکومت شاه عباس اول و «شاردن»^{۱۳} در زمان حکومت شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی اشاره کرد. «شاردن» درباره پوشاک زنان صفوی بیان می‌کند که «پوشاک ایرانی قد و قامت را بلندتر از پوشاک ما اروپاییان نشان می‌دهد. لباس زنان همانند پوشاک مردان است. پیراهن را قمیص می‌خوانند از جلو تا ناف باز است. بالاپوش‌های بانوان بلندتر از کلیجه‌های مردان است؛ چنانکه تا پاشنه می‌رسد. کمربندهای بانوان باریک است و یک شصت پهنا دارد. زنان با نیم‌چکمه‌ای پای خود را می‌پوشانند که تا چهار انگشت بالاتر از قوزک می‌رسد» (شاردن، ۱۳۳۵، ۲۲۲). «تاورنیه»^{۱۴} در زمان حکومت شاه عباس دوم و شاه صفی یکی دیگر از افراد غیرایرانی است که نظر مشابهی در خصوص لباس زنان این دوره دارد و در این خصوص می‌نویسد: «لباس‌های زنان ایرانی از بالاتنه و پایین‌تنه مجزا نیست. روی هم و یک‌سره است و با لباس مردان تفاوتی ندارد. از جلو باز و از ماهیچه پا به پایین تجاوز نمی‌کند. کمرشان را تنگ نمی‌بندند، آستینشان به دست و بازو چسبیده و به پشت دست می‌رسد. بلندی شلوار زنان همچون مردان تا پاشنه پا می‌رسد. کفش زنان ایرانی با کفش مردان فرقی ندارد و رنگ آن خصوصاً سبز، قرمز، زرد و بنفش است» (تاورنیه، ۱۳۶۱، ۲۴۱). در سفرنامه‌های یاد شده با توجه به‌زمان حکومت شاهان صفوی هر سه ایرانگرد غیر ایرانی پس از زمان حکومت شاه طهماسب صفوی آثار خود را نگاشته‌اند. مستندنگاری وقایع به‌دست هنرمندان دارای اهمیت والایی است چرا که از طریق آن می‌توان به طرز پوشش لباس آن دوره دست پیدا کرد و سبک پوشش مردمان آن زمان را مطالعه نمود (بارشاطر، ۱۳۸۲، ۱۹۸۶).

نگاره‌های مورد پژوهش

با استناد به «شاهنامه طهماسبی» به‌عنوان منبع اصلی، در خصوص پژوهش حاضر، ۲ نگاره با موضوع «کابوس ضحاک» و «تولد زال» که به‌دلیل مطابقت بسامد رنگی، تعدد حضور زنان و نیز رنگ‌های متنوع لباس در تطابق با روانشناسی رنگ ماکس لوشر از بین ۲۵۸ نگاره «شاهنامه طهماسبی» انتخاب گردیده است. در نگاره کابوس ضحاک، ۱۲ تن زن و در نگاره تولد زال ۲۳ تن زن حضور دارند، در هر دو نگاره معماری وجود دارد و زنان در داخل عمارت حضور دارند.

نگاره کابوس ضحاک

ضحاک به‌عنوان فردی ستمکار در شاهنامه بیان شده است که از نشانه‌های اسطوره‌ای او می‌توان به دو مار که از بازوهای او برآمده است، اشاره کرد. در این نگاره، ۱۲ زن در قسمت فوقانی تصویر حضور دارند. این نگاره (تصویر ۱) صحنه خواب دیدن ضحاک را روایت می‌کند که ضحاک در عالم خواب نظاره‌گر کشته شدن خود توسط فریدون است. قسمت معماری این تصویر محل حضور زنان را نشان می‌دهد و ضحاک (گوشه سمت چپ) در میان دختران جمشید قرار گرفته است. به جهت وجود دیوارها و دیده نشدن اندرونی و بیرونی، قسمتی از بستر ضحاک و برخی از اندام‌های تمامی زنان حاضر در این نگاره قابل دیدن نیستند (بنی‌اسدی، ۱۳۹۳). در نگاره حاضر، پوشش تمامی زنان، از لحاظ موقعیت، مشابه به هم هستند، ولی در این میان فقط شهنواز (زن مقابل ضحاک) دارای نیم‌تاجی در سر است و از حیث پوشش از دیگر زنان متمایز نمی‌باشد (تقوی و موسوی، ۱۳۹۲).



تصویر ۲. «تولد زال»، منسوب به میر مصور و قاسم‌علی، قرن ۱۰ هجری، مکتب تبریز صفوی. منبع: موزه هنرهای معاصر تهران.



تصویر ۱. «کابوس ضحاک»، منسوب به میر مصور، قرن ۱۰ هجری، مکتب تبریز صفوی. منبع: موزه هنرهای اسلامی دوحه.

نگاره تولد زال

تولد اشخاص اسطوره‌ای در شاهنامه زبان‌زد است. هنرمندان برای به‌تصویر کشیدن این رویداد با توجه به متن شاهنامه الهام گرفته‌اند. زال پدر رستم دستان است که در این نگاره (تصویر ۲)، هنرمند تولد او را در حضور ۲۳ زن ترسیم کرده است. مادر زال دارای تاج در سر به‌همراه ۷ تن از زنان دیگر در شاه‌نشین سمت چپ بالای تصویر دیده می‌شود. در مقابل این صحنه ۳ زن حضور دارند. در بخش میانی تصویر، ۱۲ زن قرار گرفته‌اند که برخی در دست خویش سینی دارند که احتمالاً برای سلامتی مادر زال به جهت اتمام زایمان تدارک دیده شده است.

کدهای رنگی و مفهوم روانی هشت کارت رنگی در نظریه ماکس لوشر

۱. آبی: رنگ آبی هیجان محیط را کم می‌کند و باعث آرامش فرد می‌شود. این رنگ همواره یک رنگ درونی محسوب می‌گردد. از ویژگی‌های این رنگ می‌توان به صاف بودن، باطراوت بودن، تسکین‌دهنده بودن اشاره کرد. این رنگ انسان را به تفکر وامی‌دارد و موجب آرامش ذهنی و روحی می‌شود، رنگ آبی در ایجاد شخصیت آرام نقش مهمی را ایفا می‌کند (گامینگ، ۱۳۸۴، ۲۳). رنگ آبی تمثیلی از آرامش دریا و بیانگر آسمان است، همچنین این رنگ نمایانگر اعتقادات و وفاداری در انسان‌هاست، رنگ آبی می‌تواند بیانگر فناوری، هدفمندی قلمداد شود (امیری چولاندیم، ۱۳۹۰، ۲۱۱). آبی تیره (سرمه‌ای) نشان‌دهنده احساسات عمیق است. از جمله ویژگی‌های این

رنگ: خودمحوری، غیرفعال بودن، دارای روحیه مشارکت و همکاری صمیمانه، خوی زودرنجی، درک‌کننده و برخوردار از روحیه اتحاد با دیگران. از جمله دیدگاه‌های عاطفی شخصیت افراد انتخاب‌کننده رنگ آبی عبارت‌اند از خواهان صلح و آسایش بودن، خواستار رضایت و خرسندی، خوی سازگاری، عشق و محبت (لوشر، ۱۳۸۶، ۳۸). افرادی که این رنگ را در وضعیت‌های ششم تا هشتم انتخاب می‌کنند، باعث از هم پاشیدن پیوند ارتباطی بین افراد می‌گردد که این حالت موجب اضطراب در فرد می‌شود (لوشر، ۱۳۸۰، ۸۱). رنگ‌های آبی و سبز هر دو از خصلت آرام‌بخشی برخوردار هستند (چیچی‌نیوا، ۱۳۹۶، ۵۳).

۴. سبز: رنگ سبز بیانگر سرسبزی و شادابی، آرام‌بخش و در عین حال نشان‌دهنده حسادت است. رنگ سبز تیره بیانگر آرامش و تمثیلی از درخت کاخ است (چیچی‌نیوا، ۱۳۹۶، ۵۳). افرادی که رنگ سبز را در اولویت قرار می‌دهند، دارای ویژگی‌های روحی نظیر اراده در انجام کار، پشتکار و استقامت هستند. رنگ سبز مایل به آبی بیانگر پایداری و استقامت این افراد در برابر تغییرات است. این افراد ارزش زیادی برای خود قائل هستند و دارای احساس تعلق می‌باشند. این احساس تعلق باعث می‌شود که فرد به خود احترام بیشتری بگذارد. افرادی که این رنگ را در انتخاب نخست خود قرار می‌دهند، در واقع این افراد مایل هستند که اطمینان بیشتری به ارزش‌های فکری خود پیدا کنند و مهمتر از همه اینکه آن‌ها می‌خواهند عقاید خود را بر کرسی بنشانند. آن‌ها خود را به‌عنوان حکیم می‌دانند و خواستار پند و اندرز دادن به دیگران هستند (لوشر، ۱۳۸۶، ۸۳). رنگ سبز دارای خصوصیتی همچون حس تعلق، خودپسندی، حالت دفاعی، متکی به خود بودن، مراقب جان خویش است و تغییرناپذیر است. از جمله مشخصه‌های شخصیتی این افراد در انتخاب رنگ سبز می‌توان به روحیه یک‌دندگی و سماجت، اظهار وجود کردن، روحیه ستیزه‌جویی اشاره کرد (لوشر، ۱۳۸۶، ۳۹). در نظریه ماکس لوشر اهمیت رنگ سبز زمانی مشخص می‌شود که این رنگ در وضعیت‌های دوم تا چهارم قرار نگرفته باشد (لوشر، ۱۳۸۰، ۸۶). رنگ سبز دارای انواع مختلف است و نسبت به شرایط معانی خاصی به خود می‌گیرد، این رنگ در کل یک رنگ آرامش‌بخش محسوب می‌شود (دی و تیلور، ۱۳۹۳، ۵۸).

۳. قرمز: رنگ قرمز نشانگر شادی، تب و تاب عشق و نیز شور و نشاط است. رنگ قرمز تیره که از ادغام رنگ سیاه با رنگ قرمز به عمل می‌آید، به‌عنوان یک رنگ اشرافی شناخته می‌شود (چیچی‌نیوا، ۱۳۹۶، ۵۰). رنگ قرمز بیانگر هیجان و محرکی برای پیروزی و غلبه بر مشکلات، اشتیاق برای رسیدن به موقعیت‌هایی در زندگی و نشان از تمایلات جنسی است. افرادی که در تست لوشر این رنگ را در وضعیت نخست انتخاب می‌کنند، مایل هستند فعالیت‌های پر جنب و جوشی داشته باشند و دارای روحیه رهبری، تلاشگر و بسیار خلاق هستند. این رنگ باعث بالا رفتن فشارخون می‌شود و از لحاظ نمادی شبیه به رنگ خون است که در هنگام پیروزی در نبرد ریخته می‌شود. رنگ قرمز به‌معنای قدرت اراده است، در حالی که رنگ سبز به‌معنی انعطاف‌پذیری اراده است. عصبی شدن افراد و از دست دادن قدرت جسمی و جنسی غالباً با رد کردن این رنگ مشخص می‌شود. رنگ قرمز در کل یک رنگ جذاب و پرنرژی است (لوشر، ۱۳۸۶، ۸۶). این رنگ نمایانگر نیروی اراده، اهل عمل و فعالیت بودن است. صفاتی که در انتخاب‌کنندگان رنگ قرمز وجود دارد عبارت‌اند از: برون‌محور، آزاد و دارای حس رقابت بودن. از لحاظ شخصیت عاطفی این افراد دارای ویژگی‌هایی همچون رغبت و اشتیاق، جوش و خروش و سلطه‌طلبی تمایلات قوی جنسی هستند (لوشر، ۱۳۸۶، ۴۰). از نظر بُعد جنسی افرادی که این رنگ را در وضعیت نخست خود قرار می‌دهند، نسبت به همسر خود صادق هستند، ولی در برخی موارد به آسانی مطیع نفس خویش می‌شوند (لوشر، ۱۳۸۰، ۸۷).

۴. **زرد:** رنگ زرد در مقایسه با رنگ قرمز روشن‌تر ظاهر می‌شود. این رنگ همچون رنگ قرمز باعث بالا رفتن ضربان قلب و فشارخون می‌شود، ولی عملکرد آن از رنگ قرمز نسبتاً کمتر است. صفات اصلی رنگ زرد عبارت‌اند از: روشنایی، درخشش و شادی. همچنین این رنگ نشان‌دهنده تسکین خاطر و توسعه‌طلبی بلامانع است. رنگ زرد از لحاظ نمادی شبیه به نور آفتاب است. افرادی که این رنگ را در وضعیت نخست خود انتخاب می‌کنند، نشان از رهایی و امید داشتن برای بهبود شرایط دارند. رنگ زرد بیانگر پیشرفت رو به جلو و تحول و ترقی است. این در نقطه مقابل رنگ سبز قرار دارد؛ زیرا رنگ زرد بیانگر تسکین و رهایی از مسئولیت است، در حالی که رنگ سبز در گردهمایی باعث مضطرب شدن و نیز موجب بالا رفتن فشارخون و حتی تشنج می‌شود (لوشر، ۱۳۸۶، ۹۱-۹۰). رنگ زرد رنگی درخشان است و اگر این درخشندگی زیاد باشد، موجب بی‌میلی و دلزدگی در فرد می‌شود (چیچی نیوا، ۱۳۹۶، ۵۱). ، رنگ زرد از لحاظ نمادین در فرهنگ چین متعلق به امپراتور بود و دیگران حق پوشیدن این رنگ را نداشتند (ایتن، ۱۳۷۸، ۱۶).

۵. **بنفش:** این رنگ، به دلیل اینکه در طبیعت کمیاب است، می‌توان آن را به‌عنوان یک رنگ مصنوعی در نظر گرفت (چیچی نیوا، ۱۳۹۶، ۵۴). رنگ بنفش ترکیبی از رنگ قرمز و رنگ آبی است. این رنگ تمایل به حفظ خصلت‌های دو رنگ قرمز و آبی دارد، صرف‌نظر از اینکه روشنی آن‌ها (قرمز و آبی) را از دست می‌دهد. رنگ بیان شده در تلاش است تا ویژگی‌های تسلط‌گرایانه رنگ قرمز و جنبه آرامش‌بخش رنگ آبی را حفظ نماید و به‌صورت همانندسازی درآورد که این همانندسازی باعث نوعی حالت عارفانه و صمیمیت احساسی می‌شود. در این حالت، ذهن و هدف با هم ادغام می‌شوند؛ به بیان دیگر هر آنچه به آن می‌اندیشیم، می‌بایست واقعیت یابد. رنگ بنفش می‌تواند ترکیبی از دوستی و عشق باشد و همچنین می‌تواند به درک شهودی در کنار خصلت غیرواقعی و خیالی بیانجامد. افرادی که این رنگ را انتخاب می‌کنند، خواهان این هستند که به یک رابطه جادویی دست پیدا کنند. این افراد علاوه بر اینکه خواستار عظمت یافتن خودشان هستند، به‌همان نسبت خواستار عظمت یافتن دیگران نیز می‌باشند (لوشر، ۱۳۸۶، ۹۴).

۶. **قهوه‌ای:** رنگ قهوه‌ای همانند خاک پر نعمت و بابرکت است و مثل برگ‌های پاییزی غم‌انگیز به‌نظر می‌رسد (چیچی نیوا، ۱۳۹۶، ۵۴). رنگ قهوه‌ای ترکیبی از رنگ زرد و قرمز تیره شده است. براساس عقیده لوشر این رنگ دارای خصلت بی‌ارادگی است. رنگ قهوه‌ای انگیزه خلاقانه رنگ قرمز و درخشانی رنگ زرد را از دست می‌دهد و به‌صورت یک رنگ انفعالی و غیرفعال درمی‌آید. «لذا رنگ قهوه‌ای نشانگر احساس به‌صورت کاربرد آن در حواس جسمانی است. حالت حسی دارد که مستقیماً به جسم مادی [بدن انسان] مرتبط می‌شود. وضعیت آن در ردیف رنگ حکایت از شرایط حسی بدن دارد» (لوشر، ۱۳۸۶، ۹۵).

۷. **سیاه:** رنگ سیاه تاریک‌ترین رنگ موجود در آزمایش لوشر است که نقش نهی و باطل شدن را بیان می‌کند و نشان از پوچی و نابودی دارد. سیاه، به‌معنای «نه»، درست نقطه مقابل سفید، به‌معنای «بله»، قرار دارد. رنگ‌های سیاه و سفید حکم آلفا و امگا را ایفا می‌کنند. رنگ سفید آغازگر و تمثیلی از پاکی است، در حالی که رنگ سیاه نقطه پایانی محسوب می‌شود. در حالت کلی، این دو رنگ (سیاه و سفید) در دو حد اغراق و اسراف قرار دارند. در آزمایش ماکس لوشر نزدیک‌ترین رنگ به سفید، رنگ زرد است. اگر رنگ‌های زرد و سیاه در یک گروه حاضر باشند، در این صورت موجب رفتار تندرو در فرد می‌شوند (لوشر، ۱۳۸۶، ۹۷). درواقع این رنگ باعث می‌شود انسان ناخودآگاه از محیط جدا شود، چراکه رنگ سیاه نشان‌دهنده گوشه‌گیری کامل است (پورعلی‌خانی، ۱۳۸۰، ۶۱۲).

رنگ سیاه معانی منفی‌ای همچون مرگ و یأس را شامل می‌شود. این رنگ در کنار معانی منفی دارای معانی مثبتی نظیر نیرومند بودن، مودی بودن و زیبا نیز هست که دائماً بر روی روان انسان تأثیر می‌گذارد. در سال‌های گذشته، طرز تفکر افراد نسبت به منفی بودن نقش رنگ سیاه تغییر کرده است. به بیان دیگر، افراد با دید مثبت با رنگ سیاه برخورد می‌کنند (آیزمن، ۱۳۹۳، ۶۳).

۸. خاکستری: از ترکیب رنگ‌های سیاه، سفید، قرمز، آبی و زرد یا از مخلوط زوج‌های مکمل می‌توان رنگ خاکستری را به‌وجود آورد (ایتن، ۱۳۹۳، ۵۴). رنگ خاکستری به‌عنوان یک رنگ خنثی محسوب می‌شود؛ چون نه رنگ ذهنی است و نه عینی و حتی جزو رنگ‌های درونی محسوب نمی‌شود. این رنگ نه اضطراب‌آفرین و نه آرام‌بخش است. رنگ خاکستری دارای مرز بین رنگ‌های سرد و گرم نیست. این رنگ دارای ویژگی‌ای همچون عدم مشارکت یا «کاری به کار دیگران نداشتن» است (لوشر، ۱۳۸۶، ۷۴). رنگ خاکستری، به‌عقیده روانشناسان، پیام‌هایی نظیر قابل اعتماد و اطمینان را نشان می‌دهد. این رنگ همیشه نو، بی‌طرف و آرام است (آیزمن، ۱۳۹۳، ۵۶). یکی از ویژگی‌های ناسازگار این رنگ آن است که موجب به‌یاد آوردن دوران پیری است. در کل رنگ خاکستری به‌عنوان رنگی بی‌روح شناخته شده است. رنگ خاکستری وقتی در مجاورت رنگ‌های دیگر و رنگ‌های هم‌گروهی خود (خنثی) قرار می‌گیرد، بیانگر نیرومندی یا جرئت است (کوپر، ۱۳۹۳، ۵۰).

تحلیل نگاره کابوس ضحاک «شاهنامه طهماسبی» براساس نظریه ماکس لوشر

در نگاره حاضر، براساس روانشناسی رنگ ماکس لوشر، از ۸ رنگ موجود در این نظریه، ۶ رنگ (آبی، سبز، قرمز، زرد، بنفش و سیاه) برای رنگ‌آمیزی لباس زنان این شاهنامه استفاده شده است. در مجموع، ۲۵ رنگ در لباس زنان این نگاره به‌کار گرفته شده است که از میان آن، ۷ بار سهم رنگ آبی، ۶ بار سهم رنگ سبز، همچنین از رنگ‌های قرمز و بنفش هرکدام ۳ بار و از رنگ زرد ۵ بار و از رنگ سیاه تنها ۱ بار برای لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» بهره گرفته شده است. آنچه بیان شد، در جداول ۱ تا ۳ به‌صورت تحلیل یک نگاره از هر رنگ قابل مشاهده است و همچنین درصد فراوانی رنگ‌های نگاره مورد بحث در نمودار ۱ بیان شده است.



جدول ۱. رنگ‌های اصلی سرد در نگاره کابوس ضحاک، براساس نظریه ماکس لوشر. منبع: نگارندگان.

رنگ‌ها			
نگاره	رنگ	نگاره	رنگ
			

جدول ۲. رنگ‌های اصلی گرم در نگاره کابوس ضحاک، براساس نظریه ماکس لوشر. منبع: نگارندگان.

رنگ‌ها			
نگاره	رنگ	نگاره	رنگ
			

جدول ۳. رنگ‌های فرعی در نگاره کابوس ضحاک، براساس نظریه ماکس لوشر. منبع: نگارندگان.

رنگ‌ها			
نگاره	رنگ	نگاره	رنگ
			



نمودار ۱. درصد فراوانی رنگ‌ها در نگاره کابوس ضحاک. منبع: نگارندگان.

تحلیل نگاره تولد زال براساس نظریه ماکس لوشر

در لباس زنان نگاره ذکر شده ۵۲ رنگ به کار گرفته شده است که در این میان همانند نگاره کابوس ضحاک از رنگ آبی ۱۴ بار بیشتر از سایر رنگ‌ها برای رنگ لباس زنان بهره جسته‌اند و از رنگ‌های سبز و قرمز هرکدام ۱۳ بار، رنگ زرد ۸ بار، از رنگ‌های بنفش و قهوه‌ای هرکدام ۲ بار استفاده شده است (جدول ۴ تا ۶). در این نگاره همانند نگاره پیشین از رنگ خاکستری و نیز از رنگ سیاه برای لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» استفاده نشده است. در نمودار ۲ ارتباط درصد فراوانی رنگ‌ها در خصوص نگاره ذکر شده است.

جدول ۴. رنگ‌های اصلی سرد در نگاره تولد زال، براساس نظریه ماکس لوشر. منبع: نگارندگان.

رنگ‌ها			
نگاره	رنگ	نگاره	رنگ
			

جدول ۵. رنگ‌های اصلی گرم در نگاره تولد زال، براساس نظریه ماکس لوشر. منبع: نگارندگان.

رنگ‌ها			
نگاره	رنگ	نگاره	رنگ
			

جدول ۶. رنگ‌های فرعی در نگاره تولد زال، براساس نظریه ماکس لوشر. منبع: نگارندگان.

رنگ‌ها			
نگاره	رنگ	نگاره	رنگ
			



نمودار ۲. درصد فراوانی رنگ‌ها در نگار تولد زال. منبع: نگارندگان.

تحلیل یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های پژوهش، در نگاره کابوس ضحاک و با توجه به ترتیب چیدمان رنگ‌ها در (جدول ۷)، می‌توان چنین اظهار کرد که رنگ‌های آبی، سبز، زرد، قرمز، بنفش و سیاه به ترتیب در کنار هم قرار گرفته‌اند. زوج‌های رنگ تشکیل شده برحسب میزان اشغال رنگ از دید بصری شامل ۳ گروه بعلاوه، ضربدر و مساوی (= ×) است. در (جدول ۸)، گروه‌بندی زوج‌های رنگی و در (جدول ۹) بیان روانی زوج‌های رنگی مطرح شده است. گروه زوج رنگی آبی (+۱) - سبز (+۲) براساس نظریه ماکس لوشر نشان‌دهنده محیطی ساکت، آرام و به دور از فشارهای روحی است؛ با زحمات بسیار زیاد رخدادهای را در کنترل خود قرار می‌دهند؛ خوی حساس و چشمی عاقبت‌اندیش دارند (لوشر، ۱۳۸۰، ۴۴). زوج رنگی قرمز (×۳) - زرد (×۴) نشانگر دمدمی مزاج و اجتماعی بودن است. این زوج رنگی نیاز دارند که شرایط برطبق انتظار آن‌ها پیش رود، در غیر این صورت تحریک می‌تواند باعث تلاش‌های ناپایدار یا سرسری شود (لوشر، ۱۳۸۰، ۱۶۵). زوج رنگی بنفش (=۵) - سیاه (=۷) بیانگر عدم نزدیکی به دیگران است (لوشر، ۱۳۸۸، ۱۸۷). لازم به ذکر است که در نگاره مذکور از رنگ‌های قهوه‌ای و خاکستری برای رنگ لباس زنان استفاده نشده است. جالب توجه است که استفاده از زوج‌های رنگی (آبی - سبز) و (قرمز - زرد) در نگاره مورد بحث در کنار هم به کار رفته‌اند، ولی زوج رنگی (بنفش - سیاه) این چنین نیستند.

جدول ۷. ترتیب چیدمان رنگ‌ها در نگاره کابوس ضحاک. منبع: نگارندگان.

رنگ	آبی	سبز	قرمز	زرد	بنفش	سیاه
کد رنگی	+۱	+۲	×۳	×۴	=۵	=۷

جدول ۸. گروه‌بندی زوج‌های رنگی در نگاره کابوس ضحاک. منبع: نگارندگان.

گروه ۱ (+)	گروه ۲ (×)	گروه ۳ (=)
آبی	قرمز	بنفش
سبز	زرد	سیاه

جدول ۹. بیان روانی زوج‌های رنگی در نگاره کابوس ضحاک، براساس نظریه ماکس لوشر. منبع: نگارندگان.

زوج رنگی	(آبی- سبز)	(قرمز-زرد)	(بنفش- سیاه)
نگاره			
بیان روانی	رهایی از فشارهای روحی	دمدمی مزاج بودن	عدم نزدیکی به دیگران

ترتیب چیدمان رنگ‌ها در نگاره تولد زال به این شرح است: رنگ‌های آبی، سبز، قرمز، زرد، بنفش و قهوه‌ای به ترتیب در کنار هم قرار گرفته‌اند (جدول ۱۰). برحسب میزان اشغال رنگ از دید بصری همانند نگاره کابوس ضحاک از ۳ گروه و ۳ زوج رنگی (×، + و =) بهره گرفته شده است. (جدول ۱۱) گروه‌بندی زوج‌های رنگی و (جدول ۱۲) بیان روانی زوج‌های رنگی را نشان می‌دهند. رنگ آبی (+۱) - زرد (+۴): بیانگر اشتیاق و نبوغ عاطفی سرشار است (لوشر، ۱۳۸۸، ۱۴۵). زوج رنگی قرمز (×۳) - سبز (×۲): نشان از احساس نیرومندی و قدرت است (لوشر، ۱۳۸۸، ۱۶۵). زوج رنگی بنفش (=۵) - قهوه‌ای (=۶): مفهوم فردی مغرور و در عین حال خجالتی در بیان احساسات است (لوشر، ۱۳۸۸، ۱۸۷). استفاده از زوج‌های رنگی (آبی- زرد) و (قرمز- سبز) در نگاره مورد بحث همچون نگاره پیشین در کنار هم قرار گرفته‌اند، ولی زوج رنگی (بنفش- قهوه‌ای) این چنین نیستند.

جدول ۱۰. ترتیب چیدمان رنگ‌ها در نگاره کابوس ضحاک. منبع: نگارندگان.

رنگ	آبی	سبز	قرمز	زرد	بنفش	قهوه‌ای
کد رنگی	+۱	+۲	×۳	×۴	=۵	=۶

جدول ۱۱. گروه‌بندی زوج‌های رنگی در نگاره کابوس ضحاک. منبع: نگارندگان.

گروه ۱ (+)	گروه ۲ (×)	گروه ۳ (=)
آبی	قرمز	بنفش
سبز	زرد	قهوه‌ای

جدول ۱۲. بیان روانی زوج‌های رنگی در نگاره تولد زال، براساس نظریه ماکس لوشر. منبع: نگارندگان.

زوج رنگی	(زرد- آبی)	(قرمز- سبز)	(بنفش- قهوه‌ای)
نگاره			
بیان روانی	یاری‌طلبی از دیگران و درک متقابل	تسلط به موانع و مشکلات	خودمحور بودن

براساس آنچه که از تحلیل نگاره‌های مورد پژوهش می‌توان بیان کرد، این است که در زوج‌های رنگی نگاره‌های مورد پژوهش غالباً از سه گروه زوج رنگی بعلاوه (+) و ضربدر (×) و مساوی (=) در لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» الهام گرفته شده است، در حالی که از زوج گروه منها (-) در نگاره‌های فوق بهره‌ای گرفته نشده است. از گروه زوجی بعلاوه (+) به ترتیب رنگ‌های (آبی- سبز) در نگاره کابوس ضحاک و رنگ‌های (آبی- زرد) در نگاره تولد زال، از گروه زوجی ضربدر (×) (قرمز- زرد) و (قرمز- سبز) و از گروه زوجی مساوی (=)، رنگ‌های (بنفش- سیاه) و (بنفش- قهوه‌ای) در نگاره‌های مورد بحث استفاده شده است. با توجه به آنچه بیان شد، در نگاره کابوس ضحاک از میان ۸ رنگ موجود در نظریه ماکس لوشر، ۶ رنگ (آبی، سبز، قرمز، زرد، بنفش و سیاه) در لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» به کار رفته است، در حالی که این رقم برای نگاره تولد زال نیز صادق است، با این تفاوت که در این نگاره از رنگ سیاه و در نگاره کابوس ضحاک از رنگ قهوه‌ای استفاده نشده است. رنگ خاکستری در هیچ یک از نگاره‌ها به چشم نمی‌خورد. لازم به ذکر است که از نظر تعدد رنگی غلبه رنگ‌های سرد (آبی و سبز) بر رنگ‌های گرم (قرمز و زرد) در نگاره‌های مورد پژوهش بیشتر است.

هنرمند صفوی برای بیان رنگ از تعادل رنگی در ترسیم لباس زنان نگاره‌های کابوس ضحاک و تولد زال «شاهنامه طهماسبی» براساس نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر استفاده کرده است؛ زیرا لباس زنان دارای رنگ‌های اصلی و فرعی موجود براساس نظریه حاضر است و در برخی از اشخاص حضور رنگ اصلی یا فرعی بیشتر است. هنرمند در نگاره کابوس ضحاک برای آنکه این رنگ‌ها بهتر دیده شوند، زنان را در فضای فوقانی تصویر و در زمینه آبی رنگ که بیانگر آرامش است، قرار داده است. این در حالی است که در نگاره تولد زال، با توجه به رنگ فضای کل نگاره، بیشتر رنگ‌های گرم (قرمز و زرد) به چشم می‌خورد و همچون نگاره پیشین در این نگاره نیز به کارگیری رنگ در لباس زنان با تعادل در کل فضای نگاره مشهود است.

رابطه رنگ لباس زنان با جایگاه آنان

در عصر صفوی، برخلاف دوران پیش از خود شاهد حضور گسترده زنان در نگاره‌ها هستیم. این به این معنی است که جایگاه زنان در این دوره از تاریخ ایران دارای منزلت اجتماعی والایی بوده است. در نگاره‌ها مشاهده می‌شود که زنان در جایگاه‌های متنوعی حضور دارند. در دوران صفوی، نوع پوشش زنان و تزئینات به کار رفته در آن نشان از رتبه اجتماعی بوده و نمود آن در نگاره‌ها قابل مشاهده است. نقش مصور شده زنان در نگاره‌های این دوره بیشتر شامل ندیمه، شاهزاده، عاشق و رقاص هستند (مجبی و همکاران، ۱۳۹۶). لباس پادشاهان اغلب با رنگ‌های گرم همچون قرمز و طلایی نشان داده شده است و این می‌تواند بیانگر قدرت، غرور و شکوه باشد. از رنگ‌های زرد و سبز بیشتر برای لباس زنان بهره گرفته شده است که می‌توان اظهار کرد این رنگ‌ها القاکننده پاکي و سرشت زیبایی هستند و نقاش برای بیان این صفات در لباس زنان نگاره‌های مورد مطالعه بهره جسته است. در نگاره‌های فوق، حالت متعجب شدن از واقعه در چهره‌ها و دست‌های اغلب پیکره‌های انسانی به چشم می‌خورد. در کل می‌توان گفت که هنرمند صفوی با تکیه بر رنگ‌شناسی، ترکیب‌بندی رنگی و نیز آگاهی از بیان مفهوم روانی رنگ‌ها برای رنگ‌آمیزی لباس زنان بهره گرفته است؛ چراکه با در نظر گرفتن رنگ‌های اصلی و فرعی بر فضای نگاره‌های مورد پژوهش جایگاه زنان را با توجه به منسوجات مقامی مثل تاج برای تأکید بیشتر مورد توجه قرار داده است.

بحث پیش از نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، پس از مطالعه رنگ‌های لباس زنان منتخب از «شاهنامه طهماسبی» مطابق با نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر، درصد فراوانی رنگ‌ها در لباس زنان نتایج زیر حاصل گشته است:

جدول ۱۳. فراوانی رنگ‌ها در نگاره کابوس ضحاک. منبع: نگارندگان.

کد رنگ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
فراوانی	۷	۶	۳	۵	۳	-	۱
درصد %	۲۸٪	۲۴٪	۱۲٪	۲۰٪	۱۲٪	-	۴٪

جدول ۱۴. فراوانی رنگ‌ها در نگاره تولد زال. منبع: نگارندگان.

کد رنگ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
فراوانی	۱۴	۱۳	۱۳	۸	۲	۲	-
درصد %	۲۷٪	۲۵٪	۲۵٪	۱۵٪	۴٪	۴٪	-

جدول ۱۵. فراوانی رنگ‌های سرد (آبی- سبز) به رنگ‌های گرم (قرمز- زرد) در نگاره‌ها. منبع: نگارندگان.

کد رنگ	نگاره	۱	۲	۳	۴
فراوانی	کابوس ضحاک	۷	۶	۳	۵
	تولد زال	۱۴	۱۳	۱۳	۸
درصد %		۳۷٪	۳۳٪	۲۸٪	۲٪

با توجه به جداول ۱۳ تا ۱۵ درصد فراوانی و به کاربرد رنگ در لباس منتخبی از زنان شاهنامه طهماسبی می‌توان اظهار داشت که: درصد فراوانی رنگ‌های سرد (آبی، سبز) نسبت به رنگ‌های گرم (قرمز، زرد) بیشتر است که به عبارت دیگر هنرمند عصر صفوی در ترسیم رنگ لباس زنان شاهنامه یاد شده بیشتر تحت تأثیر رنگ‌های سرد قرار داشته است تا رنگ‌های گرم و نیز از رابطه تعادل رنگی میان رنگ‌های سرد و گرم بهره جسته است به این معنی که از گروه رنگی سرد و گرم برای رنگ‌آمیزی لباس زنان وام گرفته است.

نتیجه

در نگارگری ایران دوره صفوی، تنوع رنگی در لباس زنان بسیار به چشم می‌خورد که این امر بیانگر استعداد هوشی، شناخت رنگ‌ها و علاقه‌مندی هنرمندان این دوره نسبت به عنصر رنگ را نشان می‌دهد. براساس روانشناسی رنگ ماکس لوشر در لباس زنان «شاهنامه طهماسبی» مشخص گردید که استفاده از رابطه تعادل رنگی صرف نظر از تعدد رنگی در نگاره‌های مورد پژوهش، مشهود است و بهره‌گیری از رنگ‌های سرد (آبی، سبز) نسبت به رنگ‌های گرم (قرمز، زرد) از لحاظ تعدد رنگی بیشتر است. هنرمند این دوره با در نظر گرفتن خاصیت روانی رنگ‌های گرم و سرد در ایجاد تعادل کوشیده است، این در حالی است که هنرمند آگاهانه و با توجه به موضوع نگاره‌ها و ترکیب‌بندی رنگی و آگاهی از مفهوم رنگی لباس زنان، نگاره‌های این شاهنامه را ترسیم کرده

است. در نگاره کابوس ضحاک، از رنگ آبی که نشان از آرامش دارد، در مقابل حالت تعجب‌آمیز حضار و فضای داخلی سمت بالای عمارت استفاده شده است. در نگاره تولد زال، هنرمند بیشتر به رنگ زرد در لباس زنان تأکید دارد و با توجه به آسمان طلایی‌رنگ و رنگ غالب بر نگاره، القاکننده هیجان به مخاطب است. در نگاره‌های فوق، از رنگ خاکستری که یک رنگ خنثی است برای لباس زنان استفاده نشده است. هنرمند برای بیان جایگاه زنان در نگاره‌های مورد پژوهش از منسوجات استفاده کرده است.

پیشنهادهای پژوهش

پژوهش‌های بینارشته‌ای کمک شایانی در راستای شناخت سبک شخصی هنرمند و شاعران و امثال این‌ها ایفا می‌کند. در حوزه پیشنهادات، دیگر پژوهشگران با استفاده از این نوع پژوهش‌ها می‌توانند تشابهات و تفاوت‌های سبک شخصی فرد یا افراد مورد نظر را ارزیابی کنند. در زمینه هنر و ادبیات که ارتباط تنگاتنگی میان این دو وجود دارد می‌توان از دید روانشناسی رنگ و انواع مختلف روانشناسی، همانند روانشناسی گشتالت آثار نگارگری نظیر «گلستان» و «بوستان» سعدی و نیز شاهنامه بزرگ «یلخانی» از دید بصری مورد مطالعه و تحلیل قرار داد تا ابعاد روانی این آثار از زوایای جدید بیان گردد.

پی‌نوشت

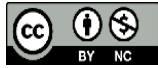
1. Color
2. Psychology
3. Rorschach
4. Max fister
5. Faber birren
6. Reitberger
7. Itten and wells
8. Elkwesky
9. Omar mukhtar
10. Dodangeh
11. Max loescher
12. Shirley brothers
13. Chardin
14. Tavernier

منابع

- امیری چولاندیم، عیسی. (۱۳۹۰). مواد و ابزار هنری ۲. تهران: آبان.
- ایتن، یوهانس. (۱۳۷۸). عناصر رنگ (ترجمه بهروز ژاله‌دوست). تهران: انتشارات عفاف.
- ایتن، یوهانس. (۱۳۹۳). هنر رنگ (ترجمه عربعلی شروه). تهران: انتشارات یساولی.
- آیزمن، لئاتریس. (۱۳۹۳). روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها (پنتون) (ترجمه روح‌الله زمزمه). تهران: بیهق کتاب.
- آیزمن، لئاتریس، و شیوا، قباد. (۱۳۹۰). روانشناسی کاربردی رنگ‌ها (پنتون): به انضمام بررسی ۴۶۸ گروه همنشینی در رنگ‌ها (ترجمه روح‌الله زمزمه). تهران: بیهق کتاب.
- بختیاری‌فرد، حمیدرضا. (۱۳۸۸). رنگ و ارتباطات. تهران: فخراکیا.

- بنی‌اسدی، محمدعلی. (۱۳۹۳). بررسی نگاره‌های مرتبط با داستان ضحاک در «شاهنامه طهماسبی» از منظر تصویرسازی. نگره، ۹(۳۲)، ۴-۲۵.
- پاکباز، روئین. (۱۳۷۹). *نقاشی ایران: از دیروز تا امروز*. تهران: نارستان.
- پناهی، مهین. (۱۳۸۵). روانشناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما یوشیج براساس نظریه روانشناس رنگ ماکس لوشر. *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، ۳(۱۲ و ۱۳)، صص. ۴۹-۸۲.
- پورجعفر، محمدرضا و فرخ‌فر، فرزانه. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی نگارگری مکتب تبریز و مکتب گورکانی هند (قرن ۱۰ هجری. *هنرهای زیبا*، (۳۵)، صص. ۱۱۵-۱۲۴.
- پورعلی‌خانی، هانیه. (۱۳۸۰). *دنیای اسرارآمیز رنگ‌ها*. تهران: نشر هزاران.
- پهلوان، فهیمه. (۱۳۸۷). ارتباط تصویری از چشم‌انداز نشانه‌شناسی. تهران: نشر دانشگاه هنر.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۶۱). *سفرنامه (ترجمه ایوب نوری)*. اصفهان: سنایی.
- تقوی، عابد و موسوی، سیده مونا. (۱۳۹۲). بررسی حضور اجتماعی زنان و سیر تحول پوشش در نگاره‌های عصر صفوی. *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۵(۱۸)، ۸۱-۱۰۲.
- چیچی‌نیوا، هایداکی. (۱۳۹۶). *هارمونی رنگ‌ها (ترجمه هاشم جوادزاده)*. مشهد: انتشارات ترانه.
- خواجه‌پور، میلاد و سمندی، ساناز. (۱۳۸۹). رنگ روانشناسی زندگی. تهران: ناشر سبزان.
- دهباشی، علی. (۱۳۷۸). *سفرنامه برداران شرلی (ترجمه آوانس)*. تهران: به‌دید.
- دی، جاناتان و تیلور، لسی. (۱۳۹۳). *روانشناسی رنگ (ترجمه مهدی گنجی)*. تهران: ساوالان.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه و محمدی، نگین. (۱۳۹۰). روانشناسی رنگ‌ها در شاهنامه. *مجله نامه پارسی*، (۵۶ و ۵۷)، ۱۵۰-۱۲۹.
- شاردن، ژان. (۱۳۳۵). *سفرنامه شاردن (ترجمه محمد عباسی)*. تهران: امیرکبیر.
- عبدالحسینی، سجاد و صید یوسفی، معصومه. (۱۳۹۳). بررسی روانشناسی رنگ در آثار رضا عباسی. *کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی*. مرکز علمی و کاربردی خانه کارگر گرگان. گرگان. ۲۱.
- فاتحی، شبنم و قهرمانی، علی. (۱۳۹۶). کارکرد رنگ در مثنوی مولوی. *بهارستان سخن*، ۱۴(۳۵)، ۱۶۶-۱۴۱.
- قلی‌زاده لداری، آزاده. (۱۳۹۱). روانشناسی کاربردی رنگ‌ها (پنتون). *ماهنامه کتاب ماه هنر*، (۱۶۶)، ۱۲۶-۱۳۳.
- کنبی، شیلا. (۱۳۸۲). *عصر طلایی هنر ایران (ترجمه حسن افشار)*. تهران: مرکز.
- کوپر، مایمی. (۱۳۹۳). *دانش و روانشناسی رنگ‌ها: بهره‌گیری از رنگ‌ها برای پیشرفت در زندگی شخصی و کاری (ترجمه امیرحسین مکی)*. تهران: آریا گهر.
- گامینگ، کاترین و ایتالیانو، دبوراً. (۱۳۸۴). *کتاب کوچک انرژی (رنگ‌های شفابخش)* (ترجمه پریسا غفاری). تهران: انتشارات جاجرمی.
- گیمبل، تئو. (۱۳۸۶). (کتاب راهنمای رنگ درمانی). (ترجمه فروغ حسن شعبانی و مریم فرزانه). تهران: سائسی.
- لوشر، ماکس. (۱۳۸۰). *روانشناسی رنگ‌ها (ترجمه ویدا ابی‌زاده)*. تهران: درس.
- لوشر، ماکس. (۱۳۸۶). *روانشناسی رنگ‌ها (ترجمه ویدا ابی‌زاده)*. تهران: درس.
- لوشر، ماکس. (۱۳۸۸). *روانشناسی رنگ‌ها (ترجمه ویدا ابی‌زاده)*. تهران: درس.
- محبی، بهزاد، حسنخانی قوام، فریدون و امانی، مریم. (۱۳۹۷). بررسی رابطه اجتماعی و انتخاب رنگ البسه در نگاره‌های دوره صفویه. *دو فصلنامه هنرهای صناعی اسلامی*، ۳(۱)، ۱۳۹-۱۲۷.
- مختار عمر، احمد. (۱۹۹۷). *اللغه واللون*. قاهره: عالم الکتب.
- میراحمدی، مریم. (۱۳۶۸). رنگ در تاریخ ایران. *مطالعات تاریخی*، (۱)، ۲۰-۱.
- میرحسینی، سیده الناز. (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی رنگ‌ها در هنر اسلامی. *مطالعات هنر و فرهنگ*، ۴(۱۰)، ۴۵-۴۰.

- ولی قوجق، منصور و مهرپویا، حسین. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفوی. فصلنامه پژوهش هنر، ۷(۱۳)، ۱۰۹-۱۲۳.
- ویلز، پائولین. (۱۳۸۸). رنگ‌ها و تأثیرات درمانی‌شان: تمرینات و الهاماتی برای زندگی بهتر (ترجمه مینا اعظامی). تهران: صورتگر.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۸۲). پوشاک در ایران زمین (ترجمه پیمان متین). تهران: امیرکبیر.



©2023 by the Authours. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.en_GB